

صدیقه قانع‌راد^۱

پژوهشگر آزاد

دکتر زهرا فهرستی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

بررسی فقهی حکم قتل در مقام دفاع از ناموس یا ماده‌ی ۶۳۰ ق.م.ا.

چکیده

قانون مجازات اسلامی به ویژه کتاب‌های حدود، قصاص و دیات به طور مستقیم از فقه گرفته شده و گویا مطالب آن، ترجمه‌ای از مسایل تحریرالوسیله امام خمینی (ره) است اما به نظر می‌رسد بخش تعزیرات آن از قانون مجازات عمومی سابق گرفته شده است. در این مقاله به بررسی موضوع قتل در مقام دفاع از ناموس پرداخته می‌شود که هم سابقه‌ی عرفی و هم ریشه‌ی فقهی دارد این موضوع در قانون مجازات عمومی سابق قبل از انقلاب وجود داشته ولی مشخصاً در قانون حدود و قصاص بعد از انقلاب مصوب ۱۳۶۱ و نیز در قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ ذکر نگردیده که البته در قانون تعزیرات فعلی مجدداً احیا شده است.

برای بررسی بیشتر در رابطه با تحلیل فقهی این ماده ابتدا سابقه‌ی فقهی و علت وضع این حکم در فقه اسلامی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در ادامه‌ی بحث و بررسی درباره‌ی مستندات روایی این حکم و استنباط‌های فقهای اسلامی از این روایت‌ها انجام خواهد گرفت.

واژگان کلیدی:

قتل، دفاع مشروع، ناموس، اسلام

^۱ - Email. Sadeghi-gohar@yahoo.com

مقدمه

در حال حاضر قتل در مقام دفاع از ناموس به عنوان یکی از اشکال قتل در شهر تهران و بسیاری از شهرهای بزرگ ایران و حتی خارج از کشور مشاهده می‌شود و دارای چندین قرن سابقه حتی در زمان قبل از اسلام می‌باشد.

امروز هم این مسأله تقریباً در همه‌ی کشورها بحث‌انگیز بوده و نمی‌توان راحت از کنار آن گذشت، حتی در کشور فرانسه که مهد تمدن است، تحت عنوان جنایت‌ها و جنحه‌هایی که مجازات معافند مواردی را ذکر گردیده؛ که یکی از آنها قتل زن به وسیله شوهر یا قتل شوهر به وسیله زن می‌باشد مگر این‌که زندگی مرتکب قتل به خطر افتاده باشد.

بحث قتل در مقام دفاع از ناموس از نظر فقهی و حقوقی یکی از مباحث اساسی فقها و حقوق جزای عمومی است به نظر می‌رسد که اگر مدافع، مهاجم را به قتل رساند باید ثابت کند که متجاوز قصد تجاوز به ناموس خود یا دیگری را داشته و گرنه خود محکوم به قصاص خواهد شد.

اهمیت موضوع در این است که در پرونده‌های کیفری به ویژه پرونده‌های منجر به صدمه‌های شدید بدنی یا قتل، دفاع مشروع تأسیس حقوقی است که در مورد استناد متهم قرار می‌گیرد یعنی متهم معمولاً ادعا می‌کند عمل او برای دفاع بوده و انتظار دارد از کیفر معاف شود و یا چون اعمالش توجیه و قانونی و شرعی دارد براءت حاصل نماید و در نتیجه هرگونه صدمه‌ای که به طرف مقابل وارد آوردن مباح تلقی شود و مجازات و ضمان نداشته باشد و اگر متهم بتواند چنین مطلبی را ثابت کند، هیچ‌گونه مسئولیتی نخواهد داشت، ولی بدیهی است در بسیاری از این پرونده‌ها «دفاع مشروع» منتفی است و متهم، مستحق مجازات می‌شود. از این رو باید موضوعی با این اهمیت، تمام ابعاد آن روشن شود و بنابراین هرگونه تحقیق در مورد این حکم از اهمیت برخوردار است.

۱- بررسی فقهی حکم قتل در مقام دفاع از ناموس یا ماده‌ی ۶۳۰ مجازات

اسلامی

مجازبودن شوهر در قتل زن خود و مردی که در حال زنا با او مشاهده می‌کند توسط شیخ طوسی در کتاب المبسوط آمده است وی تحت عنوان «الدفاع عن النفس» این مسأله را مورد گفت‌وگو قرار داده و قتل را به این که هر دو «زن و مرد اجنبی» محصن باشند، اختصاص داده است (آیت‌الله منتظری، ۱۴۰۱، ۱۳۷).

علمای اهل سنت فتوای قتل زن و مرد را توسط شوهر قبل از شیخ طوسی صادر کرده اما به صورتی غیرمستند که فهم استحکام حکم ایشان را برای ما دشوار می‌سازد. بنابر حکم شیخ طوسی^۱: «هرگاه مرد (شوهر) همسرش را در حال زنا با مرد (نامحرمی) یافت در حالی که هر دو محصن بودند قتل آن دو (همسر و مرد نامحرم) برای او جایز است و هم‌چنین است هنگامی که آن مرد را با کنیزش یا غلامش بباید (قتل آن دو برای او جایز است) و اگر شخصی اجنبی را در حال بازی و ملامت غیر از جماع دید باید مردم نامحرم را از زن دور سازد چنان چه منع و دور نشد خونس هدر است (یعنی قتلش مباح و جایز است).

محقق حلی دومین فقیهی است که این بحث را مطرح کرده است، ایشان فتوا و حکم قتل‌زانی و زانیه را صادر کرده و قید محصن‌بودن را برداشته و مستند به روایتی نکرده است^۲: «هرگاه مرد بباید با زن خود مردی را که زنا می‌کند شوهر می‌تواند آن دو را به قتل رساند، هیچ گناهی بر او نیست و در ظاهر برای او قصاص است، مگر این که بر ادعایش بینه‌ای بیاورد یا ولی دم او را تصدیق نماید» (شرایع‌الاسلام، ۱۳۷۷ ه. ق، ۳۴۸) و پس از محقق حلی، علامه حلی در دو اثر خود کتاب «قواعد‌الاحکام و تلخیص‌المرام فی معرفه الاحکام» فتوای مشابه محقق حلی را داده است. (علامه حلی، ۱۳۷۹، ۳۲۰) (علامه حلی، بی‌تا، ص، ۲۵۶)

۱- اذا وجد الرجل امراته رجلاً یفجر بها و هما محصنان کان له قتلها و كذلك اذا وجده مع جاريتها او غلامه و ان وجده ینال منها دون الفرج کان له منعه و دفعه عنها، فان ابی الدفع علیه فهو هدر فیما بینه و بین الله تعالی فاما فی‌الحکم فان اقام البینه علی ذالک فلا شی‌علیه

۲- اذا وجد مع زوجته رجلاً یزنی فله قتلها و لا اثم و فی الظاهر علیه القود الا ان باتی علی دعواه بینه او یندقه اولی»

فقه‌های دیگر از جمله شهید اول در کتاب «اللمعه الدمشقیه» (ج ۲، مسأله ۲۱، ص ۲۲۸) و شهید دوم در کتاب الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه (ج ۹، ص ۱۲۰) حکم مذکور را تصدیق کرده‌اند: اما صاحب جواهر حکم مذکور را مقید به عالم بودن شوهر به تمکین زن برای جواز قتل وی به حکم مشهور اضافه کرده تا بتواند آن دو را بکشد (نجفی، ۱۴۰۰ هـ، ج ۴۱، ص ۳۶۸)

شیخ حرالعالمی در وسائل الشیعه نقل می‌کند: «در صورت قتل مرد اجنبی و زن توسط شوهر ادعای او شنیده نمی‌شود مگر با بینه» (۱۳۸۸ هـ، ق، ج ۱۹، ۱۰۱) و شیخ ابی‌ذکریا نیز ادعای شوهر را با چهار شاهد قابل قبول دانسته است.

هم‌چنین بنا بر نظر آیت‌الله سید محمد حسین شیرازی: اگر مردی بیابد زنش را که با مرد اجنبی در حال زناست می‌تواند هر دو را بکشد بدون هیچ اشکالی و خلافی هم‌چنان که از کلماتشان ظاهر است

و نیز سید محمد صادق حسینی روحانی می‌فرماید: اگر شخصی مردی را با زنش بیابد در حال زنا کردن با او و علم به رضایت و همکاری زن داشته باشد برای اوست قتل آن دو بدون هیچ گناهی (فقه‌الصادق، ۱۴۱۴ هـ، ق، ج ۲۵، ۴۴۱)

مقدس اردبیلی در این مسأله مشابه فتوای محقق حلی دارد. (مجمع‌الفائده، ۱۴۱۶ هـ، ق، ج ۱۳، ۹۴)

در بین فقه‌های معاصر از کسانی که نظرشان منطبق با نظر مشهور فقهاست، می‌توان از حضرت امام (ره) (تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۵۱) آیت‌الله موسوی اردبیلی (فقه‌الحدود و تعزیرات ص ۳۷۴) و آیت‌الله گلپایگانی (الدر المنضود فی احکام الحدود (تقریرات) و آیت‌الله محمد علی گرامی نام برد.

آیت‌الله موسوی خویی، آیه‌الله منتظری (کتاب الحدود، ص ۱۳۷) آیت‌الله مکارم شیرازی و آیه‌الله علوی گرگانی که از جمله فقه‌های معاصر می‌باشند، برخلاف نظر مشهور فتوا داده‌اند. البته در نظرهای این فقها نیز اختلافاتی به چشم می‌خورد.

در هر حال مبنای حکم ماده‌ی ۶۳۰ ق.م.ا. پیروی از قول مشهور فقهاست و شهید ثانی می‌فرماید:

این حکم جواز مرد بر کشتن زنش در حال زنا با نامحرم) قول مشهور فقها و مخالفتی در این موضوع سراغ نداریم. (شهید ثانی، ج ۹، ص ۱۲۱)

فقهای متأخر (عمدتاً از صاحب جواهر به بعد) نیز قید عالم بودن شوهر به تمکین زن (علم به مطاوعت زن) را برای جواز قتل وی در عبارت خود آورده‌اند.

۲- مبانی و مستندات حکم قتل در مقام دفاع از ناموس

بررسی مبانی و مستندات وضع حکم مورد نظر کمک شایانی به روشن‌تر شدن بحث می‌نماید و از آن جا که صدور هر حکمی مبتنی بر یکی از منابع چهارگانه‌ی استنباط احکام سنت، عقل، اجماع است حکم قتل در مقام دفاع از ناموس را باید در هر یک از این منابع مورد بررسی قرار دهیم و چون اجماعی که مورد قبول علمای شیعه باشد، وجود خارجی ندارد، پس طریق استنباط بر اجماع قرار نمی‌گیرد در قرآن نیز آیه‌ای که بیانگر موضوع مورد نظر باشد موجود نیست. بنابر این حکم مورد نظر یا باید از طریق عقل یا به وسیله‌ی روایت‌های معصومین علیهم‌السلام ثابت شود.

۲-۱- دلایل و مستندات عقلی

دلایل و مستندات عقلی حکم را می‌توان در عناوین مختلفی مورد بحث قرار داد: عنوان اول: آیا فلسفه این حکم و معافیت شوهر از قصاص به خاطر هیجان روحی، عصبانیت شدید و جنون آنی است؟ خیر: زیرا اقدام به قتل نوعاً با شک و تردید قبلی همراه بود، پس این امر غالباً با تصمیم قبلی و کمین‌کردن و گرفتار ساختن زناکاران انجام می‌پذیرد. بنابراین شوهر گرفتار هیجان روحی و... نمی‌گردد. پس این علت را (هیجان روحی و عصبانیت شدید) نمی‌تواند مبنا و فلسفه علت صدور حکم قتل در مقام دفاع از ناموس دانست. شاید به همین سبب فقیهان به مسأله هیجان روحی و عصبانیت شدید توجه نکرده و آن را مبنای حکم قرار نداده‌اند.

عنوان دوم: دفاع از عرض و ناموس یا دفاع مشروع، علت جواز قتل برای شوهر، این عنوان نیز نمی‌تواند مستند عقلی این حکم قرار گیرد چرا که: «دفاع مشروع، قدرتی بازدارنده است که به موجب آن حق انجام عملی که شرعاً ضروری است برای شخص، علیه دیگری وجود دارد تا خطر حقیقی حال و غیرمشروعی را دفع کند که حق محترم

مسلمان با کافر ذمی مستأمن، شامل نفس؛ مال یا عرض و ناموس را مورد تهدید قرار داده است» (عطار، ۱۳۷۰، ص ۲۷)

«دفاع مشروع یکی از علل موجهه جرم است همان علتی که قانون‌گذار آن را توجیه‌کننده‌ی جرم دانسته، به موجب آن اجازه‌ی ارتکاب جرم داده شده است.» (زراعت ۱۳۸۲، ۳۷۱)

از نظر برخی علما دفاع مشروع در شریعت اسلامی دوگونه است از جمله آقای عوده عبدالقادر در کتاب التشریح الجنایی الاسلامی می نویسد: الدفاع الشرعی فی الشریعه علی نوعین ۱- دفاع شرعی خاص و یسمی اصطلاحاً دفع الصائل ۲- دفاع شرعی عام و یسمی اصطلاحاً الامر بالمعروف و النهی عن المنکر»

دفاع مشروع از نظر شریعت دو نوع است ۱- دفاع مشروع خاص که در اصطلاح دفع مهاجم نامیده می‌شود. ۲- دفاع مشروع عام که در اصطلاح، امر به معروف و نهی از منکر خوانده می‌شود. (حقوق جزای اسلامی، ۱۳۷۳، ۴۷۳)

موضوع دفاع شرعی خاص، هر هجوم و تجاوزی است که به سلامت یا به مال و یا به عرض و ناموس انسان برخورد دارد. موضوع دفاع شرعی عام، علاوه بر این‌ها، از مواردی است که با حقوق اجتماع و امنیت و نظام اجتماعی برخورد دارد برای نمونه اگر مردی به زنی حمله‌ور شود و قصد هتک ناموس آن زن را داشته باشد با اعتبار این‌که مرد متجاوز است از زن دفاع می‌شود که در این مورد دفاع مشروع خاص است اما اگر با رضایت زن با او عمل منافی عفت انجام شود فعل این دو به اعتبار منکر بودن قابل اغماض نبوده و باید با آن دو برخورد لازم صورت گیرد (عوده ۱۳۷۲، ص ۲۲۹ تا ۲۳۰)

اما قتل در مقام دفاع از ناموس نمی‌تواند از مصادیق دفاع مشروع خاص باشد. زیرا برای تحقق دفاع مشروع خاص حتماً باید متجاوزی وجود داشته باشد. وقتی زوجه و مرد اجنبی با رضایت به ارتکاب زنا پرداخته‌اند دیگر متجاوز و تهاجمی وجود ندارد تا دفاع مشروع خاص در برابر آن صورت گیرد.

(امر به معروف و نهی از منکر) نیز، نمی‌تواند از مصادیق دفاع مشروع عام قرار گیرد زیرا امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد از جمله اجازه‌ی حاکم شرع که در این مورد (امر به معروف و نهی از منکر عملی) مرد (شوهر) فاقد چنین اجازه‌ی است. فتوای امام خمینی (ره) نیز مؤید این مطلب است.

ایشان جلوگیری از گناه (منکر) را چنانچه مستلزم زخمی کردن یا قتل فاعل آن باشد جایز نمی‌داند (ج ۱، ص ۴۸۳) در حالی مکه در ماده‌ی ۶۳۰ اجازه ضرب و جرح و قتل زوجه و مرد اجنبی، به شوهر داده شده است. با وجود کسانی که دفع منکر را هر چند مستلزم قتل فاعل یا ضرب و جرح آن شود با رعایت سلسله مراتب، جایز می‌دانند؛ اما در فتاوی‌ای مشهور از همان اول حق کشتن را به شوهر داده شده است.

عنوان سوم: اجرای حکم الهی به علت مهدور الدم بودن زناکاران توسط شوهر
برخی از فقها حکم قتل در مقام دفاع از ناموس را، در مبحث احکام مربوط به زنا (کتاب الحدود) ذکر کرده‌اند و عمل شوهر را اجرای حد الهی دانسته‌اند. (محقق، حلب ۱۳۷۷، ص ۳۴۸) در مسأله سه سؤال قابل طرح است:

سوال ۱: آیا تجویز قتل زوجه و مرد اجنبی به دست شوهر واسطه‌ی مهدور الدم بودن آنهاست؟

سوال ۲: چه کسانی مهدور الدم هستند؟

سوال ۳: اجرای حد الهی در مورد آنان با چه مقامی است؟

مهدور الدم در معنای لغوی خون باطل و رایگان شده، می‌باشد (دهخدا، ج ۴۸، ص ۱۳۴۱، ۱۵۹) و از نظر فقهی مهدور الدم کسی است که خورش به هدر رفته، حرمتی ندارد و کشتن او مسئولیتی در پی نمی‌آورد

تنها علت مهدور الدم بودن از بین رفتن عصمت شخص یا به سبب داشتن عقیده‌ای و یا به خاطر ارتکاب جرایمی است که مجازات آن جرایم در فقه اسلامی مرگ است. (عوده عبدالقادر، ۱۳۷۳، ص ۲۴۵) از جمله آن جرایم می‌توان به کافر حربی، مرتد فطری و ملی، قاتل نسبت به ولی‌الدم، ساب‌النبی (ص) نسبت به مردم، ادعای نبوت و ... اشاره کرد که زن و مرد اجنبی از دسته هیچ کدام از جرایم محسوب نمی‌شوند. در ثانی اجرای حد الهی در مورد مهدورالدم‌ها به عهده حاکم شرع است (امام خمینی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۱۰) (مسأله‌ی ۱۴۸، خوبی، ۱۴۱۰، ۳۴) و مسأله‌ی ۱۸۶، خوبی، ۱۴۱۰، ۳۹) و (مسأله‌ی ۲۸۱، خوبی، ۱۴۱۰، ۵۵)

در مجموع این مباحث و با توجه به عناوین مذکور به نظر می‌رسد دلایل عقلی نمی‌تواند جواز قتل برای شوهر قرار گیرد.

۲-۲- مستندات روایی

مشهور فقها برای اثبات مشروعیت فتوای خود دایر بر جواز قتل از سوی شوهر (همسر و مرد اجنبی) و روایاتی استناد کرده‌اند. در زیر برخی از این روایات به روشن‌تر شدن بحث کمک خواهد کرد.

۱- روایت مرسله که شهید اول ذکر کرده: «روایت شده است که اگر مردی ببیند، مرد اجنبی با همسرش زنا می‌کند می‌تواند هر دو را بکشد» (شهید اول، ۱۴۱۴، ۴۸)

۲- روایت دیگری که هم فقهای شیعه و هم فقهای اهل سنت در صدور حکم به آن استناد کرده‌اند البته با تفاوت‌های مختصر از سعدبن عبادہ یکی از صحابه رسول خدا(ص) است از ابن عباس نقل شده که سعدبن عبادہ (از بزرگان انصار) خدمت پیامبر(ص) در حضور جمعی از اصحاب در مورد آیه‌ی ۴ سوره‌ی نور سؤال کرد که اگر در خانه آدم و مردی را با همسر در حال زنا دیدم و نتوانم آن را ثابت کنم هشتاد تازیانه بخورم؟^۱ (قرائی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۱۴۹)

داود بن فرقد، از امام صادق(ع) روایت می‌کند که فرمود، یاران پیامبر(ص) به سعدبن عبادہ گفتند «اگر مردی بر روی زنت ببینی چه کار می‌کنی؟ گفت: با شمشیر او را می‌کشم پس در این هنگام پیامبر اکرم(ص) بیرون آمد و فرمود: چه می‌گویی ای سعد؟ پس سعد گفت: آنها (اصحاب رسول خدا) می‌گویند: اگر مردی بر روی زنت ببینی چه کار خواهی کرد؟ سعد گفت: ای رسول خدا پس از آن که به چشم خود دیدم و خدا هم می‌داند که او این کار را کرده است؟! رسول خدا فرمود: بلی با این که تو دیده‌ای و خدا هم می‌داند، چون خداوند برای هر چیزی حد قرار داده و برای کسی هم که از آن حد تجاوز کند حدی قرار داده است این روایت توسط فقها با تعبیر مختلفی ذکر شده است که مضمون آنها همگی یکی است *گناه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی* نجفی در جواهرالکلام آورده: از سعیدبن المسیب بدین مضمون نقل شده: معاویه به ابوموسی اشعری نوشت، که پسر ابی جسرین مردی را با زنش دیده و او را به قتل رسانده است (مرد اجنبی را کشته است)

۱- رک، حرعاملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ۳۱۰، کلینی زاری، ۱۳۷۹، هـ، ج ۷، ص ۱۷۶ با شیخ صدوق ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۲۴، شیخ طوسی، ۱۳۷۶، ج ۱۰، ص ۴، ح ۵، نجفی، ۱۴۰۰، ج ۴۱، ص ۱۶۹

در این باره موضوع از حضرت علی(ع) سؤال کن (حکمش را بپرس) ابوموسی می‌گوید: علی را دیدم و از او سؤال کردم تا آن‌جا که حضرت فرمود: من ابوالحسن هستم، اگر چهار شاهد بیاورد که شهادت دهند بر آن‌چه که او دیده قصاص بر او نیست و در غیر این صورت قصاص می‌شود.

آیت الله خوئی این روایت را ضعیف و غیرقابل اعتماد دانسته است. (ج ۴۱، ص ۱۰۲)

۴- روایت دیگر مستند به فتح‌بن یزید الجرجانی از امام موسی کاظم(ع) است. از حضرت سؤال می‌شود، در باره‌ی مردی که برای سرقت با زنا وارد خانه دیگری شده و صاحب خانه وی را به قتل رسانده بود که آیا قاتل چنین شخصی (صاحب‌خانه) قصاص می‌شود یا خیر؟ حضرت فرمود: بدان کسی که وارد خانه دیگری شد، خونش هدر است و برای وی چیزی واجب نیست. «(برای قاتل وی نه قصاص و نه دیه است) (همان، ص ۵۱) «عن ابی عبدالله(ع) قال: «ایما رجل قتله «الحد فی القصاص فلا دیه له ...» (مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۴۶، ج ۲۴) «... از امام صادق(ع) که فرمود: هر کس مخفیانه خانه مردم را از روزنه تماشا نماید و اهل خانه وی را به مورد اصابت تیر قرار دهند و او کشته شود یا چشمش نابینا گردد، مسؤولیتی ندارند...»

استنباطات متفاوت فقها از احادیث مستند حکم قتل در مقام دفاع از ناموس

دیدگاه اول: اختصاص حکم جواز قتل در زانی و زانیه محصن و محصنه

نخستین فقیهی که در باره‌ی حکم جواز قتل در زانی و زانیه محصن و محصنه فتوا صادر کرده، شیخ طوسی(ره) است این فقیه بزرگوار برای شوهر این اجازه را قائل شده که چنانچه همسر خود را با مرد اجنبی در حال زنا مشاهده کند و هر دوی آنان (زانی و زانیه) دارای شرایط احصان باشند، به قتل آنان اقدام نماید و در مقام قضاوت معتقد است چنانچه شوهر بر ادعای خود بینة آورد تبرئه و در غیر این صورت قصاص خواهد شد، اگر چه در برابر خدا هیچ مسؤولیتی ندارد. صدور چنین حکمی، حدیث مربوط به سعدبن عباد، از صحابه‌ی پیامبر اکرم(ص) است. (طوسی، ه. ق. ۱۳۵۱، ص ۷۷ و ۷۶)

به نظر می‌رسد از آن‌جا که مجازات زانی و زانیه محصن در شرع رجم (قتل) می‌باشد و چنان‌که اشاره شد. اگر شخصی مرتکب جرمی شود که مجازات آن در شرع قتل باشد،

مهدور الدم است، فلسفه‌ی صدور چنین حکمی از طرف شیخ، مهدور الدم بودن زوجه و مرد اجنبی است و عمل شوهر را در واقع اجرای حد الهی در مورد آنان دانسته است اما آیا زانی یا زانیه محصن نسبت به تمام مسلمانان مهدورالدم بوده (مهدورالدم مطلق) و هر کس می‌تواند به قتل آنان اقدام کند با فقط نسبت به امام، مهدورالدم بوده (مهدور الدم نسبی) یا به تعبیر دیگر اجرای حد الهی در مورد زانی و زانیه محصن با چه کسی است؟ کلام شیخ طوسی را می‌توان پاسخ این سؤال دانست:

«اما کسی که زنا می‌کند در حالی که محصن است، قتلش واجب و ریختن خونش حلال است و بر امام واجب است او را بکشد پس اگر مردی از مسلمانان او را کشت، گروهی می‌گویند که قصاص بر آن مرد است چون کسی او را کشته که کشتن او بر عهده‌ی وی نبوده است؛ قوم دیگری می‌گویند قصاصی بر او نیست و این در نزد من اقوی است. بنابراین شیخ طوسی در عین حال که معتقد است اجرای حدود الهی با حاکم است زانی و زانیه محصن را مهدور الدم مطلق دانسته، بر این باور است که چنان چه شخصی (حتی غیر از شوهر) مرتکب قتل زانی یا زانیه محصن شود در صورت اقامه‌ی بینه قصاص نمی‌شود. چون یکی از شرایط قصاص که همانا محقون‌الدم بودن مقتول می‌باشد این‌جا موجود نیست و چنانچه قادر به اقامه‌ی بینه نباشد در ظاهر حاکم حکم به قصاص می‌دهد اما در پیشگاه خداوند قاتل، مسؤولیتی ندارند. مستند شیخ در صدور این فتوی، روایت مربوط به سعدبن عباد و حدیثی است که در این رابطه از حضرت علی(ع) نقل شده است (همان ۴۸) و تفاوتی که شیخ بین موردی که شوهر همسر خود را در حالت زنا با مرد اجنبی مشاهده می‌کند و مرتکب قتل یک یا هر دوی آنها می‌شود با موردی که سایر افراد یا شوهر در غیر حالت مشاهده‌ی صحنه‌ی زنا، مرتکب قتل زانی یا زانیه محصن می‌شوند، قاتل می‌باشد این است که در حالت اول شیخ به صراحت اجرای حد الهی در آن حالت را برای شوهر تجویز می‌کند اما در حالت دوم شیخ این اجازه را برای سایر افراد و حتی شوهر هم قائل نیست، ولی چنانچه شخصی برخلاف وجود چنین اجازه‌ای مرتکب قتل زانی یا زانیه محصن شود به لحاظ صدور الدم بودن زانی یا زانیه محصن قصاص وجود ندارد، شاید به خاطر سبقت بر امام در اجرای حدود الهی و برهم زدن نظم عمومی جامعه تعزیر شود. محمدبن ادريس حلی نیز نظری مشابه نظر شیخ طوسی دارند. (نجفی، ۱۴۰۰، ص ۳۶۸، ج ۴۱)

دیدگاه دوم: حکم جواز قتل زانی و زانیه مطلقاً

استنباط و برداشت دوم قول مشهور فقهاست، مشهور فقها معتقدند هر گاه مردی ببیند دیگری با زوجه‌اش زنا می‌کند، حق دارد هر دو را بکشد و از این بابت جرم و گناهی مرتکب نشده و در ظاهر قصاص می‌شود مگر این که بر ادعای خود بینة آورد یا ولی دم مقتول یا مقتولین او را تصدیق کنند.

مطابق این نظر (نظر شهود) قید «احصان» برخلاف نظر شیخ طوسی از حکم برداشته شده شوهر می‌تواند زانی و زانیه را چه شرایط احصان داشته و چه نداشته باشند در صورت مشاهده آنان در حالت زنا به قتل یک یه هر دوی آنها اقدام نماید. محقق حلی اولین فقیهی بود که به اطلاق و بدون هیچ قید و شرطی به شوهر اجازه داد که در صورت مشاهده زوجه خود با مرد اجنبی در حالت زنا، آنان را به قتل رساند (محقق حلی، ۱۳۷۷ ه.ق، ۳۴۸)

به دنباله ایشان فقهای بزرگی چون علامه حلی و شهیدین و بسیاری از فقهای معاصر مبادرت به صدور حکم به‌طور اطلاق داشته‌اند البته فقهای متأخر عمدتاً از صاحب جواهر به بعد قید عالم بودن شوهر به تمکین زن (و علم به مطاوعتها له) را برای جواز قتل وی، به حکم مشهور اضافه کرده‌اند.

فقهای معاصر چون حضرت امام، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله محمد علی گرامی نیز بر مبنای نظر مشهور فتوا، داده‌اند (ص ۶ مقاله) البته چنین نیست که فقهای چون محقق و حلی و علامه که در حکمشان قید علم به مطاوعت زن وجود نداشته باشد. به شوهر این اجازه را داده بودند که حتی در صورت مکروه بودن زوجه وی را بکشد. چرا که مکروه در حقوق جزای اسلامی مبرا از مسؤولیت کیفری است طبق نظر این فقها نیز چنانچه شوهری همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی برائت به فتوا این قید، در حکم فقهای مذکور استناد کند. مستند قول مشهور فقها همه‌ی این احادیثی است که به آن اشاره شد که ایشان تمامی این احادیث را از جمیع جهات معتبر می‌دانند و استنتاجی که از این گفتار کرده‌اند این است که معصومین (ع) و پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «چنانچه شوهر بر ادعای خود بینة اقامه کند، قصاص نمی‌شود.» و در صورت وجود بینة، شوهر اجازه‌ی قتل هر دو را دارد و هیچ‌گونه مسؤولیت کیفری و مدنی متوجه او نیست.

دیدگاه سوم: منع جواز قتل زانی و زانیه مطلقاً

آیت‌الله خوئی در (مبانی تکمله المنهاج، ص ۸۴) در مبحث شروط قصاص اشاره دارد^۱: «کسی که ببیند زنش با مرد اجنبی مشغول زناست و آن زن رضایت به این کار داشته باشد قتل آن دو (زانی و زانیه) برای او جایز است و این خالی از اشکال نیست بلکه منع شده است.» این بحث در دو بعد قابل طرح می‌باشد: اول این که شوهر ادعا کند که همسرش را هنگام زنا دیده پس وی را به این سبب به قتل رساند در صورتی که زوج بینه‌ای ندارد، در این صورت بدون هیچ اختلافی قصاص برای زوج ثابت است و اضافه بر این، روایات هم دلالت بر ثبوت قصاص دارد. دوم: مرد بینه دارد که در این صورت هیچ قصاصی برای زوج نخواهد بود.

این نظر معروف و مشهور میان اصحاب است و هیچ اختلافی میان آنها در این باره به چشم نمی‌خورد استدلال ایشان در این باب به برخی روایات، مذکور می‌باشد. فقیه بزرگوار آیه‌الله خوئی پس از ذکر احادیث به تحلیل آنها پرداخته، که در روایت سعید بن المسیب اگرچه دلالتش بر این مسئله کامل و تامه است این روایت از حیث سند ضعیف می‌باشد (روایت سوم، ص ۱۲ مقاله)؛ چرا که در سلسله راویان این حدیث، حصین بن عمر هم‌چنین یحیی بن سعید که شخص ناشناخته‌ای است، وجود دارد. دیگر این که احمد بن نصر متأخر از حصین بن عمرو است و روایت احمد بن نصر از حصین بن عمرو ممکن نمی‌باشد، این روایت از این جهت مرسل است و اعتمادی بر آن نیست.

اما روایت دوم^۲ از حیث سند و هم از حیث دلالت ضعیف است و در سلسله راویان این حدیث عده‌ای ناشناخته‌اند. از حیث دلالت، روایت مربوط به داخل شدن مردی در خانه کسی برای فسق و فجور یا دزدی است، پس قتل دزد برای دفاع جایز می‌باشد و از این رو می‌توان نتیجه گرفت، این روایت اختصاص به زنا ندارد و بنابراین اگر مردی برای بوسیدن همسر شخص دیگری داخل خانه‌ای شد. کشتن او جایز است. این مطلب تنها اختصاص به شوهر ندارد پس اگر دزدی برای فسق و فجور با دخترش یا خواهرش یا

۱- المشهور علی ان من رای زوجته یزنی بها رجل وهی مطاوعه جاز له قتلها و هو لایخلو عن اشکال بل منع

مشهور

۲- روایت فتح بن یزید الجرجانی (روایت چهارم، ص ۱۲ مقاله)

بوسیدن این دو داخل خانه‌ای شد کشتن او جایز خواهد بود؛ از اینرو حدیث به قتل در دفاع از ناموس (ماده‌ی ۶۳۰) ارتباطی ندارد؛ چرا که موضوع مذکور از مصادیق دفاع مشروع نیست، همین مطلب درباره‌ی روایت سوم صحیح‌ه حلبی از امام صادق (روایت ۵) نیز قابل طرح می‌باشد. اگر چه این روایت سوم (روایت ۵ مقاله) از حیث سند قابل قبول می‌باشد اما موضوع روایت مذکور با موضوع مورد بحث این رساله انطباق کامل ندارد، روایت در مقام دفاع از عرض نبوده، از موضوع کلام ما خارج است و هیچ شبهه‌ای در جایز بودن قتل بخاطر نگاه کردن به نوامیس باقی نمی‌ماند؛ در نتیجه هیچ یک از روایات مذکور دلالت بر نظریه مشهور فقها نمی‌کند و از نظر آیت‌الله خویی تنها روایتی که مربوط به موضوع و از حیث سند معتبر می‌باشد صحیح‌ه داود بن فرقد (حدیث مربوط به سعد بن عباد) از امام صادق (ع) است. از نظر ایشان، ظاهر این روایت دلالت بر جایز نبودن قتل مرد اجنبی به وسیله‌ی شوهر می‌کند و منظور پیامبر اکرم (ص) از این عبارت خدای تعالی برای زنا حدی قرار داده است. و قتل زانی قبل از شهادت چهار مرد جایز نبودن قتل مرد اجنبی به وسیله‌ی شوهر می‌باشد و هر کسی که از این حد تجاوز کند حد بر او جاری می‌شود (اگر کسی این کار را قبل از شهادت چهار مرد کرد قصاص می‌شود) پس؛ مطلب جواهر که ممکن است منظور صحیح‌ه تنها بیان حکم ظاهر بوده باشد گناه و مانعی برای کشتن زانی در واقع وجود ندارد. قابل پذیرش نخواهد بود چرا که با؛ برای توجیه آن، خلاف ظاهر صحیح‌ه، هیچ دلیل و قرینه‌ای وجود ندارد، و بنابراین امکان التزام به این روایت نمی‌باشد. علاوه بر این از نظر آیت‌الله خویی نسبت دادن روایت مذکور به داود بن فرقد اشتباهی سهوی از جانب صاحب جواهر و در واقع راوی روایت، داود بن فرقد نمی‌باشد و در این صورت روایت مذکور نمی‌تواند سند حکم جواز قتل به شمار آید.

اضافه بر این دلالتی در خصوص جواز قتل زن زانیه نیست. شهید اول در الدروس نقل کرده: «کسی که همسرش را حین زنا مشاهده کند می‌تواند هر دو را بکشد.» این روایت مرسله در کلام علمای گذشته قبل از شهید یافت نشده است از اینرو احتمال ندارد که مستند علمای مشهور این مرسله مذکور باشد بنا براین اگر حکم مذکور قابل قبول باشد به قید در حال زنا بودن اختصاص دارد، در این صورت اگر شوهر علم پیدا کرد که مردی بازنش قبلاً زنا کرده قتل آن مرد برای شوهر جایز نیست. در مجموع عمده دلیل بر جایز

بودن قتل، روایت ابن‌ابی‌جسرین است و آن هم دلالتی بیشتر از این ندارد. (روایت سوم) (خویی ۱۹۷۶، ه. ق. ج ۲ ص ۸۴)

به نظر می‌رسد که از نگاه آیت‌الله خویی، تنها در مواقعی که شوهر برای کار خود بینه‌ای اقامه نکند قصاص می‌شود بلکه حتی آن‌جایی که بینه هم داشته باشد قصاص می‌شود اعم از این‌که مرتکب قتل زانی یا زانیه یا هر دوی آنها شده باشد خواه مقتول یا مقتولین شرایط احصان را داشته یا نداشته باشند.

دیدگاه چهارم: بررسی جواز قتل زانی

طبق ماده‌ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی و طبق فتاوی‌ علمای معظم اگر مردی زن خود را در فراش با مرد اجنبی ببیند حق کشتن آنها را دارد.

اگر زن زانیه و مرد اجنبی مورد حمله شوهر قرار گرفتند آیا حق دفاع دارند؟ یا خیر؟ و آیا این دفاع مشمول دفاع مشروع می‌گردد یا نه؟ و اگر شوهر کشته شود در مقابل دفاع آنها این زن و مرد قصاص می‌شوند؟

باسمه تعالی

تاریخ : ۸۶/۹/۷

موضوع: ۲۰۸۸۵

ج: اگر مردی همسر خود را در آمیزش جنسی با مرد بیگانه‌ای ببیند حق دارد فقط زانی را به قتل برساند ولی چنان چه بعداً نتواند با مدارک معتبر این مطلب را ثابت کند به عنوان قاتل ممکن است قصاص شود و اگر زانی و زانیه شوهر آن زن را بکشد قصاص می‌شوند مگر این که رابطه نامشروع ثابت نشود و آنها بتوانند ثابت کنند که مقتول بی‌جهت به آنها حمله کرده و در مقام دفاع از خود چاره‌ای جز قتل مقتول نداشته‌اند.

همیشه موفق باشید

ناصر مکارم شیرازی ۸۶/۹/۱۱

نتیجه‌گیری

در فقه اسلامی، فقها برای دستیابی به نظر شارع از چهار منبع استفاده می‌کنند: قرآن، سنت، اجماع، عقل و فقهای اهل سنت علاوه بر این چهار منبع، از قیاس و استحسان نیز استفاده می‌کنند. با وجود منابع مشترک، اختلاف احکام به چشم می‌خورد حتی تا آنجائی که فقیه‌ی اجازه قتل می‌دهد و دیگری در صورت کشتن حکم به قصاص می‌دهد یکی از آن مسائل، مسأله‌ی حکم قتل در مقام دفاع از ناموس است. البته نباید بپنداریم که اسلام ممکن است درباره‌ی یک مسأله چند حکم و نظر داشته باشد، در رابطه با یک موضوع هم فرمان بدهد و هم نهی کند.

وجود نظرهای مختلف، برداشت و تفسیر فقها از احادیث بوده‌است از اینرو نمی‌توان آنها را مطابق تام و تمام حکم اسلام دانست. به عبارت دیگر آن فقیه‌ی که حکم قتل را از روایت برداشت می‌کند. چنانچه سعی خود را در مسیر رسیدن به حقیقت به کار برده و به حکم صحیح دست یافته دو ثواب و اگر به خطا رفته باشد یک ثواب می‌برد. بی‌شک با توجه به اختلاف موجود در میان نظرها به ویژه آن که برخی از آنها کاملاً متضاد با یکدیگر می‌باشند نمی‌توان تمام آنها را عین حکم اسلام دانست. شاید برخی از این آرا منطبق با حکم اسلام باشد و ممکن است هر نظری گوشه‌ای از حقیقت حکم را به همراه داشته باشد و شاید هیچ کدام از آن نظرها، حکم اسلام نباشد.

از آنجا که جواز حکم قتل و عدم آن موجب ریخته شدن خود افراد درگیر با مسأله می‌شود و نیز با بررسی‌هایی که در زمینه‌ی مستندات فقهی این حکم بعمل آمد که در این عنوان‌ها قابل پیگیری است به نظر می‌رسد باید در این زمینه تحقیق بیشتری توسط اهل فن انجام پذیرد تا نتیجه‌های درخشانی حاصل گردد هر چند از نظر این جانب فتوای آیه‌الله خویی در این باره بیش از همه قابل قبول می‌باشد.

فهرست منابع و مآخذ:

۱. جبل‌العاملی، زد. (شهید ثانی) ۱۳۹۶، الروضه البهیة فی شرح اللعمه دمشقیه، ج ۳، قم، انتشارات چاپخانه علمیه
۲. الحرالعاملی، م، ۱۳۸۸، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، لبنان، داراحیاء التراث العربی
۳. حسینی روحانی، م، ص، ۱۴۱۴، فقه الصادق، ج ۳، قم، انتشارات دارالکتاب
۴. حسینی شیرازی، م، ۱۹۸۸، الفقه، بیرون انتشارات دارالعلم
۵. دهخدا، ع، ۱۳۴۱، لغت‌نامه، تهران، شرکت چاپ افست گلشن
۶. زراعت، ع، ۱۳۸۲، شرح قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، انتشارات ققنوس
۷. صدوق، م، ۱۳۹۴ ه ق من لایحضره الفقیه، تهران، مکتبه الصدوق مصحح علی اکبر غفاری
۸. طوسی (شیخ الطائفه) ا. ج. م. ۱۳۵۱، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، بیرون، انتشارات حیدریه
۹. طوسی (شیخ الطائفه) ا. ج. م. ۱۳۷۶، تهذیب الاحکام، ج ۱، تهران، مکتبه الصدوق، مصحح علی اکبر غفاری
۱۰. عطار، د، ۱۳۷۰، دفاع مشروع در حقوق جزای اسلام، مترجم، اکبر غفوری، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی
۱۱. علامه حلی ۱۳۷۹، تلخیص المرام فی معرفه الاحکام، قم، مطبعه المکتبه الاعلام الاسلامی
۱۲. عوده، ع، ق ۱۳۷۳، حقوق جزای اسلامی، تهران، انتشارات میزان، مترجم نعمت‌الله الفت، سید مهدی منصور و ناصر قربانیا
۱۳. فیض، ع، ر ۱۳۷۴، مبادی فقه و اصول، ج ۷، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۱۴. قرآنتی، م، ۱۳۸۱، تفسیر نور، ج ۱، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
۱۵. کلینی رازی، ا. ج. م. ۱۳۷۹ ه، ق، فروع کافی، کتاب الحدود ج ۱، طهران، موسس دارالکتب الاسلامیه
۱۶. مجلسی، م. ق. ۱۳۶۸، مرآه العقول ج ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۱۷. محقق حلی، ا. ق. ن. د. ج. ۱۳۷۷ ه ق شرایع الاسلام کتاب حدود تهران، چاپ گراوری انتشارات المکتبه الاسلامی
۱۸. مقدس اردبیلی، ا، ۱۴۱۶ ه. ق. مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشادالادهان، کتاب الحدود فی عقوبه الزنا، قم، موسسه النشر الاسلامی
۱۹. مکی‌العاملی (شهید اول) ا، ع، ش، م، ۱۳۸۴، اللمعه دمشقیه، مترجم علی شیروانی، ج ۲۶، چاپ قدس، قم، انتشارات دارالفکر
۲۰. مکی‌العاملی، ا، ع، ش، م (شهید اول) ۱۴۱۴ الدروس فی فقیه الامامیه، قم، انتشارات نشر اسلامی
۲۱. منتظری، ح. ع. ۱۴۰۱ ه. ق. کتاب الحدود، ج ۱، قم، انتشارات دارالفکر
۲۲. موسوی اردبیلی، آیت‌الله سید عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات چاپ اول، منشورات مکتبه امیر المومنین، ۱۴۱۳ ه. ق

۲۳. موسوی خمینی، ر، بی‌تا، تحریر الوسیله، مترجم علی اسلامی
۲۴. موسوی خویی، ا، ق، ۱۹۷۶ م، مبانی تکمله المنهاج، بغداد مطبعه الاداب، ناشر لطفی
۲۵. موسوی خویی، ا، ق، ۱۴۱۰، المنهاج الصالحین کتاب الحدود و اسبابها، قم، ناشر مدینه العلم آیه الله العظمی السید خویی
۲۶. موسوی، آیت‌اله سید روح‌الله (امام خمینی) تحریر الوسیله، ۱۳۷۰، مؤسسه النشر الاسلامی
۲۷. نجفی، م، ح ۱۴۰۰ جواهر الکلام چ ۶، تهران، ناشر دارالکتاب الاسلامی مصحح محمود قوچانی
۲۸. هذانی، ا.ذی ۱۴۰۵ الجامع للشرايع، چ ۱، قم، ناشر موسسه سیدالشهداء العلمیه، زیر نظر استاد شیخ جعفر سبحانی، چاپخانه علمیه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی